

# نقش عوامل آموزشی در نگرش کارآفرینانه هنرجویان

## مطالعه موردی هنرستان‌های ناحیه آموزش و پرورش شهر کرج

طاهره ملاحسینی کرمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد کارآفرینی دانشگاه خوارزمی

اسد حجازی

دکترای مدیریت آموزشی، مدرس و مدیر کل برنامه‌ریزی دانشگاه فرهنگیان

عبدالرحیم نوه‌ابراهیم

استاد دانشگاه خوارزمی

### چکیده

در این پژوهش روش تحقیق از نظر شیوه گردآوری اطلاعات «توصیفی-پیمایشی» و از نظر هدف کاربردی بوده است. جامعه آماری پژوهش هنرجویان هنرستان‌های آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهرستان کرج بودند که به روش نمونه‌گیری ساده ۲۲۰ هنرجو انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد شده سنجش ویژگی‌های نگرش کارآفرینانه با ضریب آلفای کرون‌باخ ۰.۸۴ درصد و پرسش‌نامه دوم محقق ساخته مربوط به عوامل آموزشی مؤثر بر نگرش هنرجویان با ضریب آلفای کرون‌باخ ۰.۸۲ درصد بود. روایی پرسش‌نامه توسط استادان و صاحب‌نظران در حوزه کارآفرینی به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی شامل هم‌بستگی، رگرسیون، آزمون t و ANOVA در «۲۲ Spss» بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، عوامل آموزشی (شامل شیوه فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوه اجرای آموزش و ارزشیابی) بر نگرش کارآفرینانه با هم‌بستگی  $0.46/0.23$  و ضریب تبیین برابر  $0.21/0.21$  شناسایی شد؛ یعنی  $0.21/0.21$  تغییرات نگرش کارآفرینانه با عوامل آموزشی تبیین پذیرند. همچنین بین جنسیت و رشته تحصیلی پاسخ‌گویان با اثرگذاری عوامل آموزشی (شامل شیوه فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوه اجرای آموزش و ارزشیابی) بر نگرش کارآفرینانه رابطه معنادار به‌دست نیامد.

**کلیدواژه‌ها:** نگرش کارآفرینانه، کارآفرینی، عوامل

آموزشی، هنرجویان



## مقدمه

در حال حاضر توسعه کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینی به‌عنوان یک سیاست کلیدی پیش روی کشورها قرار گرفته و توسعه استعدادها کارآفرینانه برای نوآوری و پایداری مزیت رقابتی در اقتصاد جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [Drennan and others, 2004]. از جمله اقدامات لازم برای توسعه و رشد کارآفرینی در جامعه بسترسازی است که از مهم‌ترین جنبه‌های آن ایجاد فرهنگ کارآفرینی است. فرهنگ کارآفرینی مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که هویت افراد کارآفرین را تشکیل می‌دهد.

با توجه به اینکه یکی از چالش‌های پیش روی جوامع دانش‌آموختگان فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار مناسب است، ایجاد نگرش کارآفرینانه در افراد شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است. امروزه باید کارآفرینی را به‌عنوان یک سلسله ذهنیات در نظر گرفت. چنین رویکردی جدا از زمینه کسب‌وکار و اقتصاد بیان می‌کند که هر کسی می‌تواند به روش کارآفرینانه فکر و عمل کند. بنابراین، برنامه‌های توسعه‌ای نباید تنها مختص آموزش عالی باشند، بلکه باید در مدارس ابتدایی و متوسطه به آن‌ها پرداخته شود. امکان توسعه کارآفرینی می‌تواند با افزایش توسعه درک مثبت از امکان مطلوبیت کارآفرینی از طریق آموزش مناسب در سنین پایین‌تر افزایش یابد [Linan and others, 2010].

امروزه موضوع دیگری که لزوم توجه به کارآفرینی را سبب شده، معضل بی‌کاری، به‌ویژه بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که کشورمان با آن سخت دست‌به‌گریبان است. به‌طوری‌که به نظر می‌رسد پرورش افراد کارآفرین و تفکر خوداشتغالی به‌عنوان راه‌حل مقتضی از طرف سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است [بازرگان، ۱۳۹۲]. اما چالش‌های مربوط به اشتغال نه‌تنها یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی روز در کشورمان به‌شمار می‌روند، بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن‌ها را مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی دهه آینده نیز به‌حساب آورد. بر این اساس، هر ساله تعداد زیادی از جوانان وارد نظام آموزش عالی یا بازار کار می‌شوند. بیشتر دانش‌آموختگان نیز استخدام در سازمان‌های دولتی و گاه خصوصی را ترجیح می‌دهند و این در شرایطی است که ظرفیت اشتغال‌زایی در جامعه

متناسب با رشد جمعیت جوان نیست.

به همین دلیل از قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بعد، ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بی‌کاری به‌عنوان یکی از محوری‌ترین متغیرهای هدف در سیاست‌های کلان اقتصادی (چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ق، قانون بودجه سنواتی، و ...) مورد توجه خاص قرار گرفته است. از سوی دیگر، نتایج مطالعات نشان می‌دهند ایجاد نگرش و دیدگاه‌های کارآفرینانه به‌عنوان ضرورت اقتصادی - اجتماعی، به بهبود تعادل ساختار یافته، گزینه‌های استخدامی و رشد اقتصادی منجر می‌شود. بنابراین به‌نظر می‌رسد، ارتقای نگرش کارآفرینانه داوطلبان ورود به بازار کار به‌ویژه دانش‌آموختگان در سنین پایین، راهکار مناسبی برای حل معضل بی‌کاری جوانان کشور و نیز خلق کسب‌وکارهای جدید محسوب شود. لذا در دنیای امروز بیش از هر چیز موضوع کارآفرینی در رأس سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت‌ها قرار دارد و در این زمینه کشورها تلاش می‌کنند با اتکا به جریان کارآفرینی و بهره‌گیری از اثرات و پیامدهای مثبت آن، مسیر اقتصاد خود را به سمت‌وسوی پیشرفت و توسعه حرکت دهند.

یافته‌های پژوهش‌های فراگیر سال ۲۰۱۲ «دیده‌بان جهانی کارآفرینی» (GEM) نشان می‌دهند، ایران با شاخص کارآفرینی نوپا برابر با ۱۱ درصد در میان ۶۷ کشور عضو در رتبه سیم قرار دارد. همچنین نرخ قصد کارآفرینانه در ایران ۲۲/۲۸ درصد است که کشورمان را در میان ۶۷ کشور عضو در جایگاه ۳۵ قرار می‌دهد. شاخص کارآفرینی فرصت‌گرا در میان شاخص‌های فعالیت‌های کارآفرینانه ۵/۶۷ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۶/۲۴ درصد در سال ۱۳۹۱ رشد یافته است. این در حالی است که نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران فقط ۱۱ درصد است که نسبت به گزارش سال ۲۰۱۰ دیده‌بان جهانی کارآفرینی با ۱۲/۴ درصد رشد کمتری را نشان می‌دهد. شکاف بین قصد کارآفرینانه و فعالیت‌های کارآفرینانه نشان‌دهنده اثر عوامل بازدارنده موجود در مسیر کارآفرینی در ایران است. در واقع، اگرچه عوامل متعددی در شکل‌گیری نگرش کارآفرینانه مؤثر هستند، طبق مدل چارچوب مفهومی - [Davids son, 1995] نگرش کارآفرینانه می‌تواند از طریق دو عنصر ایجاد شود:

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در اکثر تحقیقات به‌عنوان ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی، عبارت‌اند از: نیاز به توفیق طلبی، نیاز به استقلال، تمایل به خلاقیت، ریسک‌پذیری و عزم و اراده

۱. تعریف این عقیده توسط نگرش‌های عمومی (گرایش به تغییر، سبقت‌جویی، پول‌گرایی، توفیق‌طلبی و استقلال) و نگرش‌های حوزه‌ای (نتیجه‌نهایی، مشارکت اجتماعی و دانستن چگونگی‌ها)؛

۲. در شرایط کنونی، این عناصر شبیه عزت‌نفس درک شده هستند که دربرگیرنده شیوه‌های قبلی است که **دروگر و برزیل** (۱۹۹۴) آن را گسترش داده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد مدل‌های اصلی نگرش کارآفرینانه را می‌توان در جدول ۱ خلاصه کرد [جعفری مقدم، ۱۳۹۱].

جدول ۱. مدل‌های اصلی قصد و نگرش کارآفرینانه

نویسنده / سال	عنوان مدل	متغیرها
شاپیرو (۱۹۸۲)	وقایع کارآفرینانه	تمایل، امکان‌پذیری، رغبت به عمل و حوادث تعلق‌کننده
آجن (۱۹۹۱)	نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده	هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری و نگرش
راینسون و همکاران (۱۹۹۱)	راهنمای نگرش کارآفرینانه	توفیق‌طلبی، نوآوری و کنترل شخصی درک شده
دروگر و برزیل (۱۹۹۴)	ظرفیت کارآفرینانه	تمایل، امکان‌پذیری و عمل‌گرایی
داوید سون (۱۹۹۵)	دیوید سون	توانایی، لزوم فرصت، ارزش‌ها و نگرش‌ها

این پژوهش به بررسی و تحلیل تأثیر عوامل آموزشی، شامل شیوه تدریس فعال، محتوای آموزشی، شیوه اجرا و ارزشیابی، بر ویژگی‌های شخصیتی، نیاز به موفقیت‌طلبی، تمایل به خلاقیت، ریسک‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، تحمل ابهام و کنترل درونی که در اکثر تحقیقات به‌عنوان ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی معرفی شده‌اند، پرداخته است.

### نگرش کارآفرینانه

در اواسط قرن بیستم، روان‌شناسان توجه خود را به تحلیل فرد و متغیرهای شخصیتی و روان‌شناختی معطوف داشتند و اکثر آن‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که: کدام ویژگی‌های فردی کارآفرین است که وی را از غیر کارآفرین و مدیر متمایز می‌سازد؟ از این‌رو از تحقیقات این دانشمندان به‌عنوان رویکرد روان‌شناختی نام‌برده می‌شود. آنچه این قبیل محققان به‌دنبال آن بودند، فردی کردن و نسبت دادن تمام فعالیت‌های کارآفرینانه به شخص است. آن‌ها فهرستی طولانی از ویژگی‌ها همچون نیاز به توفیق، تمایل به ریسک‌پذیری، دارا بودن مرکز کنترل درونی، خلاقیت، تحمل ابهام، اعتمادبه‌نفس را در فرضیات خود گنجانده‌اند [احمدپور داریانی،

**پیشرفت به یک گروه و مذهب خاص اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان رشد اقتصادی را در جوامع گوناگون فراهم کرد**

[۷۹:۱۳۸۱]. در کل ویژگی‌های نگرش کارآفرینانه به سبک‌های تصمیم‌گیری و اقدامات اعضای یک سازمان تسری می‌یابد. این عوامل که شامل نوآوری، ریسک‌پذیری، پیشگامی، رویکرد تهاجمی و استقلال‌طلبی هستند، غالباً با هم کار می‌کنند تا عملکرد کارآفرینانه یک سازمان را بهبود بخشند.

واقعیت این است که یکی از مباحث مهم در بحث کارآفرینی، شناسایی و تحلیل گرایش‌های کارآفرینانه کارآفرینان به‌عنوان افراد موفق جامعه است. این شناخت باعث می‌شود که بتوان این ویژگی‌ها را

در خود پرورش داد [احمدپور داریانی و عزیز، ۱۳۸۳].

البته گرایش‌های کارآفرینانه را نمی‌توان به‌طور دقیق تعریف کرد. زیرا اگر کارآفرینان را به‌عنوان یک گروه در نظر بگیریم، گروهی متنوع هستند و تفاوت‌های زیادی در داخل گروه کارآفرینان وجود دارد. با این حال مطالعه ویژگی‌های

کارآفرینان برای ایجاد تصویر روشن‌تری از مؤلفه‌های مورد نیاز برای ایجاد توانمندی‌های کارآفرینانه مفید است. **مک‌کله لند** (۱۹۶۱) ویژگی‌های افراد کارآفرین را شامل انگیزه پیشرفت، خطرپذیری، کنترل درونی، خلاقیت و نیاز به استقلال می‌داند. ایشان براساس نتایج مطالعات انجام شده معتقد است که پرورش ویژگی‌های یادشده در افراد باعث تقویت قابلیت‌های کارآفرین می‌شود.

ویژگی‌های شخصیتی افراد یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی فعالیت‌های کارآفرینانه محسوب می‌شوند؛ ویژگی‌هایی مانند اراده برای شروع یک کسب‌وکار جدید، شروع یک کسب‌وکار، موفقیت در اداره یک کسب‌وکار و کارآفرینی سازمانی. **استوارتر** و همکارانش (۱۹۹۸) در مطالعه خود برای متمایز ساختن کارآفرینان از مدیران شرکت‌ها و مالکان کسب‌وکارهای کوچک، توفیق‌طلبی، ریسک‌پذیری و نوآوری را به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده مورد استفاده قرار دادند.

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در اکثر تحقیقات به‌عنوان ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی معرفی شده‌اند، عبارت‌اند از: نیاز به توفیق‌طلبی، نیاز به استقلال، تمایل به خلاقیت، ریسک‌پذیری و عزم و اراده. هر یک از این‌ها به‌طور مختصر در ادامه تشریح شده‌اند.



## بین تمام عوامل آموزشی و نگرش کارآفرینی هم‌بستگی مثبت وجود دارد

داشت که اعتمادبه‌نفس با وجود شباهت‌هایی که با مفاهیمی چون خودپنداری دارد، با آن‌ها کاملاً یکسان نیست و تفاوت‌هایی با هم دارند. خودپنداری به‌صورت مجموعه باورهایی که شخص درباره خود دارد، تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، هر فردی باورهای خود را درباره خودش، خودش فراهم می‌آورد که اصطلاحاً خودپنداری نامیده می‌شود. در شکل‌گیری خودپنداری منابع زیادی وارد عمل می‌شوند: واکنش‌های دیگران، مشاهده رفتارهای خود و مقایسه خود با اشخاصی که به او شباهت دارند و در همان محیط زندگی می‌کنند. در حالی که اعتمادبه‌نفس عبارت است از ارزیابی شخص از ویژگی‌های خاص خود.

۵. **ریسک‌پذیری (تمایل به مخاطره‌جویی):** در تمام تعاریفی که از کارآفرینان شده، به‌نوعی ریسک‌پذیری - خواه مالی باشد یا اجتماعی و روانی - بخشی از فرایند کارآفرینی است [احمدپورداریانی، ۱۳۸۱]. در واقع ریسک‌پذیری به احتمال حداقل انتظار در زیان‌ها و سودها گفته می‌شود. ریسک‌پذیر کسی است که گرچه احتمال می‌دهد، موفقیت سرمایه‌گذاری در یک کسب‌وکار پایین باشد، ولی باز هم در آن سرمایه‌گذاری می‌کند.

۱. **خلاقیت و نوآوری:** کارآفرینی به آزمایش و خطا، تفکر یک‌جانبه و خلاقیت احتیاج دارد. افراد کارآفرین برای ایجاد ارزش افزوده، ایده‌های جدید و نقاط فرصت بازار را توسعه می‌دهند یا اینکه ایده‌ها و منابع موجود را به روش‌های متفاوتی ترکیب می‌کنند. خلاقیت شامل فرایندهایی چون، افزایش دانش، انعکاس، توسعه و ارزیابی یک ایده جدید است. افراد خلاق تمایل دارند ویژگی‌های مشخصی را از خود بروز دهند. آن‌ها دوست دارند به یک روش غیرمتعارف فکر کنند، مفروضات موجود را به چالش بکشند و در حل مشکلات، انعطاف‌پذیر هستند.

۲. **کنترل درونی:** کنترل به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان از نظر هیسریچ و پیترز (۱۹۹۸)، خصیصه‌ای است که تمایل فرد را به کنترل هر چیز در زندگی نشان می‌دهد. راتر (۱۹۶۶) به نقل از احمدپورداریانی (۱۳۸۱) موضع کنترل درونی را این‌گونه تعریف می‌کند: هرگاه شخصی بازخوردی را ناشی از عملکرد خود نداند و آن را به بخت و اقبال نسبت بدهد یا آن را تحت کنترل دیگران بداند، به کنترل بیرونی اعتقاد دارد و اگر شخص رویدادی را پیامد رفتار و ویژگی‌های خود بداند، به کنترل درونی معتقد است.

۳. **نیاز به توفیق و انگیزه پیشرفت:** از بین تمام ویژگی‌هایی که فرض می‌شود با کارآفرینی ارتباط داشته باشند، نیاز به توفیق قدمت بیشتری دارد. مک‌کلند (۱۹۵۳) معتقد است، افراد کارآفرین نیاز بسیار زیادی به توفیق دارند. به عقیده او برخی از ارزش‌های فرهنگی، توفیق‌طلبی را تشویق می‌کنند. مک‌کلند براساس نتایج مطالعات خود نتیجه می‌گیرد که نیاز شدید به توفیق افراد را به‌سوی درگیر شدن با رفتار کارآفرینانه سوق می‌دهد. نیاز به توفیق بیانگر تمایل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی و در جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی است [احمدپورداریانی، ۱۳۸۱].

۴. **اعتمادبه‌نفس:** اعتمادبه‌نفس شامل ایده‌ها، تصورات و احساسات فرد است. اعتمادبه‌نفس احساس ارزشمندی فرد نسبت به خود است و این احساس در ذهن افراد مختلف، متفاوت است. اعتمادبه‌نفس عبارت است از نگرش نسبت به خود که در آن مؤلفه‌های عاطفی و شناختی وجود دارد. اعتمادبه‌نفس یکی از ویژگی‌های شخصیت فرد است که بر ارزشیابی و قضاوت نسبتاً پایدار فرد (مثبت یا منفی) نسبت به خود دلالت می‌کند. باید توجه



۶. **تحمل ابهام (عدم قطعیت):** تراپمن و مورنینگ استار (۱۹۸۹) به نقل از احمدپورداریانی (۱۳۸۱) بر این باورند که کارآفرینان قادرند به طور مؤثر با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، غیر شفاف و سازمان نیافته کنار بیایند. مطالعاتی که در زمینه ارتباط بین ویژگی‌های فردی و رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که پیشرفت به یک گروه و مذهب خاص اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان رشد اقتصادی را در جوامع گوناگون فراهم کرد.

### آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی روندی است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی با فعالیت‌های مک‌کله‌لند و آموزش بازرگانان هندی آغاز و از اوایل دهه ۱۹۸۰ به آن توجه بسیار جدی شد. بعد از آن دانشگاه‌ها با ایجاد دوره‌ها و حتی رشته‌های کارآفرینی به تربیت علاقه‌مندان و دانشجویان در انواع دوره‌های دانشگاهی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) و پیش‌دانشگاهی (دبیرستان، راهنمایی و ابتدایی) و حتی پیش از دبستان اقدام کردند. امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های مؤسسات آموزشی تبدیل شده است [دایرةالمعارف کارآفرینی، ۱۳۸۸: ۹۵]. اما واقعیت این است که از دهه ۱۹۶۰ تاکنون فعالیت‌های آموزش کارآفرینی هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت بسیار ارتقا یافته‌اند. امروزه در بسیاری از دانشکده‌های دانشگاه‌های معتبر جهان به ارائه دوره، برنامه یا رشته کارآفرینی پرداخته می‌شود. همچنین، روند توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پویایی نظام آموزشی و پیوند عمیق بین علم و فناوری با بازار کار یکی از عوامل مهم ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی آن‌ها بوده است. هر چند برخی محققان هنوز در وجود رابطه معنادار بین افزایش کارآفرینی و میزان اشتغال تردید دارند.

۱. **شیوه فعال تدریس:** در بسیاری مواقع شاید این موضوع به دور از واقعیت نباشد که نه معلم می‌داند محتوایی را چرا باید درس بدهد و نه دانش‌آموز چرایی انتخاب محتوا را می‌داند. نه معلم می‌داند محتوا را به چه روش صحیح و سودمندی تدریس کند و نه دانش‌آموز چگونه یاد گرفتن را می‌داند.

معلم صرفاً درس می‌دهد و فراگیرندگان نیز به‌طور موقتی حفظ می‌کنند. ما فقط یاد گرفته‌ایم درس بدهیم و دانش‌آموزان نیز آموخته‌اند که تنها حفظ کنند و چون و چرا مطالب را از ما بپذیرند. تدریس در گذشته براساس دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت به معنی انتقال معلومات بوده است، اما صاحب‌نظران جدید تعلیم و تربیت بر این باورند که معلم باید روش دانستن را به دانش‌آموز بیاموزد، نه اینکه صرفاً به انتقال فرمول‌ها و معلومات به آنان اکتفا کند. معلم باید به دانش‌آموز کمک کند تا خود تجربه کند و از طریق تجارب خود مطالب را فراگیرد. لذا توجه به کیفیت و شیوه تدریس معلمان باید امری بسیار ضروری و جدی تلقی شود. برنامه‌ریزان و مسئولان موظف‌اند که فرصت‌های لازم را برای آشنایی هر چه بیشتر معلمان با روش‌ها و الگوهای جدید و خلاق تدریس فراهم کنند و شرایط و امکانات را برای اجرای موفقیت‌آمیز این روش‌ها آماده سازند [ستون، ۱۳۹۲].

امروزه بسیاری از طراحان و مسئولان برنامه‌های آموزش و پرورش از شیوه‌های رایج تدریس ناراضی هستند و بدین سبب از نوآوری و نوگرایی در این زمینه استقبال می‌کنند. کارایی روش‌هایی نظیر سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموز و به یادسپاری و تأکید بر محفوظات که شالوده روش‌های سنتی تدریس است، مدت‌هاست مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است. برای جبران کمبودهای این‌گونه روش‌ها، عده‌ای از متخصصان استفاده از وسایل جدید کمک‌آموزشی، مانند فیلم، اسلاید و نوارهای دیداری و شنیداری را توصیه می‌کنند. عده‌ای دیگر روش‌های بحثی و پرسش و پاسخ و انجام آزمایش‌های انفرادی و گروهی را جانشین روش‌های قبلی کرده‌اند.

۲. **محتوا و شیوه اجرای آموزش:** محتوای آموزشی الکترونیکی یکی از بنیان‌های اساسی دستگاه‌های آموزشی نوین و یکی از دستاوردهای مهم فناوری الکترونیک محسوب می‌شود. محتوای آموزشی الکترونیکی که با ارائه متن‌ها و تصویرهای ساده روی لوح‌های فشرده مطرح شد، امروز به مرحله مهمی از حیات و تکامل خود رسیده است. از آنجا که کار اصلی آموزش را در روش‌های از راه دور و دانشجو محور، محتوای آموزش به دوش می‌کشد، دقت در طراحی و تولید محتوای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر و هرگونه حساسیت و وسواس در تولید آن کاملاً

هر چند محتوا و سایر عوامل آموزش مناسب طراحی شوند، ولی اگر معلم در فرایند یاددهی و یادگیری نامناسب عمل کند، آموزش اثربخش نخواهد بود

توجیه شده و به حق است [میردریکوند، ۱۳۹۰].

**۳. ارزشیابی:** امروزه چگونگی ارزشیابی تأثیر آموزش‌های کارآفرینی موضوعی است که از جانب بسیاری از ذی‌نفعان آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است. مواردی که باعث شده‌اند از گذشته همچنان بحث دربارهٔ قابل آموزش بودن کارآفرینی ادامه داشته باشد، فقدان شاخص‌های مشخص برای سنجش تأثیر آموزش کارآفرینی بوده است. یکی از چالش‌های ارزشیابی تأثیر آموزش کارآفرینی، انتخاب شاخص‌هایی است که مقبولیت عمومی داشته باشند. به عبارت دیگر، آن‌گونه که هنری و همکارانش بیان می‌کنند: ذی‌نفعان آموزش کارآفرینی افرادی دارای دیدگاه‌ها، علاقه‌ها و توانمندی‌هایی متفاوت هستند و هر یک بر مبنای دیدگاه‌های خود به کارآفرینی نگاه می‌کنند، برای مثال، هنوز بین محققان بحث بر سر اینکه آیا ویژگی‌های کارآفرینی قابل آموزش‌اند یا افراد با این ویژگی‌ها زاده می‌شوند، همچنان ادامه دارد. همچنین، براساس هر یک از اهداف کارآفرینی که قبلاً بیان شدند، ارزشیابی تأثیر آموزش کارآفرینی نیز متفاوت خواهد بود. مثلاً اگر هدف ایجاد کسب‌وکار جدید باشد، زمانی آموزش کارآفرینی دارای بازده مثبت خواهد بود که دانش‌آموختگان دوره‌های کارآفرینی موفق به ایجاد کسب‌وکار جدید شده باشند [میردریکوند، ۱۳۹۰].

### سوالات پژوهش

۱. آیا بین عوامل آموزشی شامل شیوهٔ فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوهٔ اجرای آموزش و ارزشیابی، با نگرش کارآفرینانه ارتباط معنادار وجود دارد؟
۲. آیا بین جنسیت هنرجویان با اثرگذاری عوامل آموزشی شامل شیوهٔ فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوهٔ اجرای آموزش و ارزشیابی، بر نگرش کارآفرینانه ارتباط معنادار وجود دارد؟
۳. نگرش کارآفرینانه هنرجویان چگونه است؟

### روش پژوهش

جامعهٔ آماری این پژوهش شامل هنرجویان ناحیهٔ ۲ آموزش و پرورش شهرستان کرج بود که از میان

آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در پژوهش حاضر، با توجه به بررسی متغیرهای عوامل آموزشی و نگرش کارآفرینانه، از دو پرسش‌نامهٔ «نگرش‌سنج» و «عوامل آموزشی» استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ به سؤال اول پژوهش، یعنی:

۱. آیا بین عوامل آموزشی شامل (شیوه فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوه اجرا و ارزشیابی) و نگرش کارآفرینانه رابطه وجود دارد؟

از «رگرسیون توأم چندگانه» کمک گرفته شد که نشان داد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد (تحلیل واریانس) بین دو متغیر عوامل آموزشی و نگرش کارآفرینانه ۰/۴۶ همبستگی وجود دارد و تنها ۰/۲۱ از متغیر نگرش کلی کارآفرینانه توسط متغیرهای عوامل آموزشی تبیین می‌شود.

کتاب‌های درسی،  
مهارت‌ها، مدرک  
تحصیلی معلمان،  
مدت زمان آموزش،  
تجربهٔ آموزشی  
معلمان و تناسب  
روش‌های تدریس  
با محتوای  
برنامه، در کنار  
عوامل آموزشی  
می‌توانند بر  
نگرش کارآفرینانهٔ  
هنرجویان مؤثر  
باشند





جدول ۲. جدول ضرایب هم‌بستگی عوامل آموزشی (شامل شیوه فعال تدریس، شیوه اجرا، محتوای آموزش، ارزشیابی) و نگرش کارآفرینانه

عوامل آموزشی	ضریب هم‌بستگی r	ضریب تبیین R <sup>2</sup>	آماره آزمون F	سطح معناداری Sig
شیوه فعال تدریس	۰/۴۲	۰/۱۷	۴۶/۹۳	۰/۰۱
شیوه اجرای آموزش	۰/۳۰	۰/۱۰	۲۲/۰۵	۰/۷۰
محتوای آموزشی	۰/۳۶	۰/۱۳	۳۲/۸۳	۰/۱۹۵
ارزشیابی	۰/۲۹	۰/۹	۲۰/۳۸	۰/۲۱۱

#### \* منابع

۱. بازرگان، عباس (۱۳۹۲). ارزشیابی آموزشی، مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت). تهران.
۲. ددبه‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۷). ارزیابی فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران براساس جی. ای. دم، نتایج برنامه ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹. دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
۳. جعفری مقدم، سعید (۱۳۹۰). «عوامل بازدارنده قصد کارآفرینانه دانشجویان». فصل‌نامه اقتصاد. شماره ۲۶ و ۲۵.
۴. احمدپوردانی، محمود (۱۳۸۳). کارآفرینی: تعریف، نظریات و الگوها. انتشارات پردیس. تهران.
۵. دایره‌المعارف کارآفرینی (۱۳۸۸).
۶. ستون، محبوبه (۱۳۹۲). «تأثیر الگوی مدیریت آموزش بر بهبود یادگیری و نگرش دانش‌آموزان براساس رویکرد مهندسی مجدد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی. کرج.
۷. میردیکاند، فیروز (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر روش تدریس فعال بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم پایه سوم راهنمایی اندیمشک». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی. کرج.
۸. حجازی، اسد (۱۳۹۱). «بررسی رابطه ویژگی‌های گرایش کارآفرینانه با کارآفرینی». فصل‌نامه علمی پژوهشی ره پویه هنر شماره ۳، (۲۲).
۹. صمدی، پروین و اصفهانی، هما (۱۳۸۶). «بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۶، سال پنجم.
۱۰. عزیززی، محمد (۱۳۸۲). روش‌های آموزش کارآفرینی. همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
۱۱. عزیززی، محمد (۱۳۸۲). «شناسایی نگرش کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

### ۳. نگرش کارآفرینانه هنرجویان چگونه است؟

جدول ۴. شاخص توصیفی داده‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس
ریسک‌پذیری	۲۲۰	۳/۰۰۲	۰/۸۶	۰/۷۵
کنترل درونی	۲۲۰	۳/۶۰	۰/۷	۰/۵۰
موفقیت طلبی	۲۲۰	۳/۱۵	۰/۷۵	۰/۵۷
اعتمادبه‌نفس	۲۲۰	۳/۱۶	۰/۹۱	۰/۸۳
تحمل ابهام	۲۲۰	۳/۲۳	۰/۸۷	۰/۷۷
خلاقیت	۲۲۰	۲/۸۳	۰/۹۱	۰/۸۳

طبق نمودار ۱، تفسیر داده‌های مربوط به میانگین براساس «طیف لیکرت» از ۱ تا ۵ در گروه نامطلوب، از ۲/۵ تا ۳/۵ در گروه نسبتاً مطلوب و از ۳/۵ تا ۵ در گروه مطلوب قرار می‌گیرند [بازرگان، ۱۳۹۲].

مطلوب	نسبتاً مطلوب	نامطلوب
۴	۳	۱
۵	۴	۲

نمودار ۱

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بین متغیر شیوه فعال تدریس با نگرش کارآفرینانه در سطح معناداری ۰/۰۱، ۰/۴۲ هم‌بستگی وجود دارد. بین متغیر شیوه اجرای آموزش و نگرش کارآفرینانه ۰/۳۰ و بین متغیر محتوای آموزشی و ارزشیابی با نگرش کارآفرینانه به ترتیب ۰/۳۶ و ۰/۲۹ هم‌بستگی وجود دارد. جدول نشان می‌دهد، فقط بین متغیر شیوه فعال تدریس با نگرش کلی کارآفرینی رابطه معنادار وجود دارد و به‌طور کلی شیوه فعال تدریس می‌تواند بر نگرش کلی کارآفرینی تأثیر بگذارد.

به‌منظور پاسخ به سؤال دوم پژوهش، یعنی:

### ۲. آیا بین جنسیت هنرجویان با اثرگذاری عوامل آموزشی (شامل شیوه فعال تدریس، محتوای آموزشی، شیوه اجرای آموزش و ارزشیابی) بر نگرش کارآفرینانه ارتباط معنادار وجود دارد؟

جدول ۳. تحلیل گروهی

نگرش کلی	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
کلی	دختر	۱۲۰	۱/۶۵۰۱	۱۶/۴۶۷۴۳	۱/۵۰۳۲۶
	پسر	۱۰۰	۱/۶۷۳۲	۱۹/۷۰۹۹۶	۱/۹۷۱۰۰

جدول ۳ آماده شد. این جدول نشان می‌دهد، میانگین نگرش کارآفرینانه پسران ۱/۶۷۳۲ و میانگین نگرش کارآفرینانه دختران ۱/۶۵۰۱ است. یعنی پسران نسبت به دختران دارای نگرش کارآفرینانه بالاتری هستند. همچنین، آزمون نمونه مستقل نشان می‌دهد که بین جنسیت و نگرش کارآفرینانه تفاوت معناداری وجود ندارد. پرسش سوم تحقیق چنین بود:

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

طبق یافته‌های پژوهش، بین تمام عوامل آموزشی و نگرش کارآفرینی هم‌بستگی مثبت وجود دارد و مؤلفه شیوه فعال تدریس در سطح معناداری ۰/۰۱ می‌تواند بر نگرش کلی کارآفرینی تأثیرگذار باشد. این موضوع مؤید آن است که هرچند محتوا و سایر عوامل آموزش مناسب طراحی شوند، ولی اگر معلم در فرایند یاددهی و یادگیری نامناسب عمل کند، آموزش اثربخش نخواهد بود. با توجه به اینکه سهم عوامل آموزشی در تبیین نگرش کارآفرینانه ضریب ۰/۲۱ را نشان می‌دهد و میزان آن کم است، می‌توان گفت که علاوه بر این عوامل و مؤلفه‌ها، عوامل و متغیرهای دیگری نظیر کتاب‌های درسی، مهارت‌ها، مدرک تحصیلی معلمان، مدت‌زمان آموزش، تجربه آموزشی معلمان

و تناسب روش‌های تدریس با محتوای برنامه، در کنار عوامل آموزشی می‌توانند بر نگرش کارآفرینانه هنرجویان مؤثر باشند.

چون نگرش اکثر هنرجویان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار مثبت است، اما آن‌ها تحقق ایده خود را در شرایط کنونی بعید می‌دانند. به متصدیان حوزه برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود درس کارآفرینی در سرفصل دروس تمامی رشته‌های هنرستان و در رشته‌های نظری قرار دهند. در حال حاضر فقط رشته حسابداری کاردانش از این درس برخوردار است.

### \* منابع

12. Drennan, Judy and Kennedy, Jessica and Renfrow, Patty (2004). the impact of childhood experiences on the development of the entrepreneurial intentions. In: SEAAZ Brisbane 2004 Entrepreneurship as the way of the Future, 26-29 sept 2004, QUT. Brisbane QLD.
13. Linan, F., Urbano, D., & Guerrero, M. (2010). Regional variation in entrepreneurial cognitions: Start-up intention of university student in Spain. Entrepreneurship and Regional Development.
14. Davidsson, p. (1995). Determinants of Entrepreneurial inclinations, RENT IX in Entrepreneurship Research. Piacenza, Italy, 23-24.
15. Krueger, N. F. & Brazeal, D. V. (1994). Enterprise potential and potential entrepreneurs. Entrepreneurship and Practice. 18(3), 91-104.
16. McClelland, D. C. (1961). The achieving society. Princeton: Van Nostrand.
17. Stewart, W. H., Watson, W. E., Carland, J. A., & Carland, J. W. (1998). A proclivity for entrepreneurship: A comparison of Entrepreneurs, small business owners and corporate managers. Journal of Business Venturing, 14, 189-214.
18. Hisrich, R. D. and Brush, C. (1987). Women and minority entrepreneurs: A comparative analysis.
19. Caird, S. (1991). Testing enterprise tendency in occupational groups. British Journal of Management, 12, 177-186.

